

کمپین بازگشت شاهزاده بسوی انتخابات آزاد

امیر فیض- حقوقدان

دربازار پرهرج و مرج مبارزه ایرانیان خارج از کشور، که سی و چند سال است مرتبا سازمان ها و کمپین هائی پشت سرهم میروید و بفاصله کمی منقرض وساکت میشوند خبر از ایجاد کمپینی تحت عنوان «کمپین بازگشت شاهزاده بسوی انتخابات آزاد» رسیده است.

واما بعد

عنوان کمپین ویا هدف آن قابل درک نیست. تبادر ذهنی آن از «بسوی انتخابات آزاد» متوجه این مقصود است که شاهزاده (بزعم کمپین) تاکنون توجهی به انتخابات آزاد نداشته اند و اکنون بمنظور اینکه ایشان بسوی انتخابات آزاد کشیده شوند کمپینی لازم گردیده است؛ این چنین عنوانی برای کمپین نامناسب است؛ زیرا حداقل ۶ سال است که اعلیحضرت رسما فقط دیدگاه سیاسی شان وحتی انحصار فعالیتشان متوجه انتخابات آزاد بوده است، و حتی از واژه «فقط» هم بارها استفاد شده است و این واقعیت، چیزی نیست که نیازه کمپین داشته باشد.

<برگشت بسوی> که درعنوان آمده به این معناست که ایشان رو بروی انتخابات آزاد نبوده وپشت به آن بوده اند و اکنون این کمپین برای کمک به بازگشت ایشان به سوی انتخابات آزاد، فعال شده است!

عنوان درست

عنوان درستی که کمپین میتواند لایق آن باشد بازگشت شاهزاده به مسئولیت های مقرر در قانون اساسی و سوگند سلطنت است.

موازی سازی

نگاهی به برنامه بازگشت شاهزاده که کمپین آنرا اعلام کرده است دقیقا کپی برنامه ای است که شهرام همایون به حساب حکومت ملی خودش اعلام کرد ودر تحریر مورخ ۱۳/۱/۲۰۱۷ به نقد کشیده شد.^۱ تمام فرازهای برنامه دولت ویا حکومت ملی شهرام همایون با موازی سازی کمپین مشابه، ورونویس شده است؛ با دوتفاوت:

دو تفاوت در موازی سازی

تفاوت اول این است که در حکومت شهرام همایون، شانسی به اعلیحضرت برای مدت سه ماه داده شد که اگر تمایل دارند رئیس دولت را انتخاب بفرمایند؛ ولی در طرح کمپین به مسئله حقوقی کمپین توجهی نشده و معلوم نیست که شاهزاده در این مقوله چکاره اند و یا چه کسانی کاره اند؟

بنظر میرسد که توجه به موضع حقوقی «شاهزاده» ضرورتی هم نداشته زیرا با دقت در برنامه کمپین متوجه میشویم که **هدف جمع آوری پول بوده، نه یک کار سیاسی** که بدون وجود و یا توسل به مبانی حقوقی و مشروعیتی فاقد کاربرد است.

تفاوت دوم در مبلغ اغواگری

تفاوت دوم اینکه در طرح شهرام همایون گفته شد با سقوط جمهوری اسلامی و قطع کمک های به تروریست ها **ماهیتانه یک میلیون تومان** به هر ایرانی داده خواهد شد، ولی طرح کمپین همان مبلغ را در همان شرائطی که طرح دولت شهرام همایون اعلام کرده بود به دومیلیون ترقی داده است و این رساگر آن است که اگر چند ماهی صبرشود رقم دومیلیون ممکن است به ارقام بالاتری از قبیل ده میلیون تومان و یا بیشتر هم بالا برود.

رساگر این برنامه برای مردم این است که تعجیل و عجله در اجرای کمپین بازگشت «شاهزاده!» نکنند که **<گرسبرکنند ز غوره حلوا سازند>** گرسبرکنند نرخ اغوای مردم بالا و بالا خواهد رفت!

معنای بازگشت

معنای بازگشت در کار سیاسی آن است، شخصی که در جایگاه سیاسی بوده است و بهر طریق، از آن جایگاه جدا شده است، مجدداً به آن جایگاه بازگردد، در مورد بازگشت شاهزاده! بازگشت ایشان، موقعیتی است که به اعتبار قانون اساسی و سیر اجرائی آن محول ایشان بوده، و شورش ۵۷ و متعاقب آن طرح هنری پرشت آن موقعیت قانونی را از ایشان سلب کرده است، و ایرانیان خام و تبعه آمریکا از جمله همین برپا کنندگان کمپین شاهزاده به تبعیت و بیعت با آن گردن نهاده اند.

بازگشت مطلوب

بازگشت مطلوب آن است که در زمینه های مشروعیتی و قانونی نص و سیره اجرائی متحول شود یعنی بازگشت به دوران قانون اساسی مشروطیت و دوران منورپادشاهی شاهان پهلوی، این همان حقی است که اعلیحضرت هم در نهم آبان سال ۵۹ به آن اتیان سوگند یاد فرموده اند و سی و چند سال است که گروهی از ایرانیان تلاش دارند که این بازگشت اصولی و بحق صورت گیرد، چرا اکنون بجای انتخاب راه صحیح کمپین، که برداشتن موانع و محظورات اعلیحضرت در بازگشت به سوی تداوم قانون اساسی است به این راه های بیراهه و بدون مبنا و ماخذ متوسل میشوند؟

وعده های واهی

ریاکاران و اغواگران توجهی به ماهیت وعده هائی که میدهند ندارند که آیا انجام شدنی است و اگر شدنی است در چه شرائطی ممکن است، فقط بفکر ربودن عقل و فکرشنوده هستند که از مجرا و وظیفه درک صحیح غافل بمانند (اغوا به همین معناست).

همین رویه دقیقاً مورد استفاده کمپین قرار گرفته، وعده هائی داده است که هرچند سابقه آن برمیگردد به وعده های شهرام همایون ولی انجام آن وعده ها هیچیک ویا تمامی آنها به شخص شاهزاده مربوط نمیشود آنها مسائلی است که برخاسته از قانون اساسی کشور است که تنها بوسیله دولت همان قانون اساسی قابل اجراست نه اشخاص و شاهزاده وحتی پادشاه.

وعده های سیاسی ناشی از حاکمیت ملت ها باید متکی بر پایه های حقوقی و فلسفی و در نهایت در زمینه نظام و قانون اساسی کشور باشد نه اشخاص. وعده های متکی به اشخاص همان سرنوشتی را دارد که عوام از آمدن خمینی توقع داشتند در حالیکه وعده های حقیقی او را باید در حاکمیت اسلام جستجو کرد که اکنون هوار بر مردم ایران شده است.

فرار از حقیقت

احساس جدی شد که کمپین، از بیان موقعیت قانونی و سنتی اعلیحضرت وحشت دارد و با عنوان «شاهزاده» در چارچوب بیعت با جمهوری اسلامی و شورش ۵۷ قرار گرفته است، و «شاهزاده» را وسیله رفع مشکلات اقتصادی و رفاهی مردم میداند نه قائمه تداوم برقراری هویت ملی ایرانیان و در کلام دیگر همینکه بشود به مردم ماهی یک میلیون تومان داد ویا حقوق بشر را رعایت کرد و یا تحصیل را رایگان کرد قضیه مبارزه مختومه و تحصیل حاصل شده است **و شعار اینکه ایران با هویتش ایران است** دیگر هیچ

لبیل زبانی در کنار وحشت

یادمان نرود که همین کارها که کمپین وعده انجام آنرا با آمدن «شاهزاده» میدهد جمهوری اسلامی هم سالهاست که داده ولی به اعتبار مکتب حاکم و قانون اساسی و مسائل تابعه قابل اجرا نیست و اگر در ایران قبل از شورش ۵۷ قابل اجرا بود و ایرانیان از آن کاملاً منتفع بودند بعلت وجود نظام پادشاهی مشروطه و قانون اساسی سلطنت مشروطه ایران بود یعنی چیزی که کمپین از نام بردن آن وحشت داشته.

تاسف همراه این تحریر

تاسف محسوس از جریان کمپین بازگشت شاهزاده این است که بعد از چهل سال باصطلاح مبارزه یعنی خواندن و نوشتن و صحبت کردن هنوز کسانی هستند که از کسانی که در همان سال نخست مبارزه شروع کردند خام تر و سربه هوا ترند. هرکس برنامه شل و بی رمق و ساختگی بودن کمپین را بشنود حیرت میکند از این همه ندانمکاری و ضعف صحنه سازی و این گدائی مفرط و طمع ورزانه و فکر میکند که اگر

خمینی مسئله آب و برق مجانی را باب نکرده بود این حضرات بعد از ۴۰ سال مبارزه چه داشتند که بگویند.

وقتی خمینی بیاید

در برنامه کمپین شنیدم که گوینده از عبارت «وقتی شاهزاده بیاید» استفاده کرد و خیلی چیزها را منوط به آمدن ایشان کرد؛ درست یادم آمد از شعر حجازی که با عنوان «وقتی امام بیاید» سروده شد و همه وعده های واهی را موکول به آمدن آن ابلیس کرد، حضرات کمپین حتی قادر به استفاده از عبارتی که بوی گند آمدن خمینی را میدهد هم نبوده اند. حضرات با این پیشرفت کامپیوتر حتی نتوانستند یک صحنه سازی قدری قابل توجه ارائه بدهند.

اهانت به ملت ایران

اهل کمپین در جریان اغوای مردم چنان خودباخته شده که از درک ماهیت وعده دادن مالی و کمک ماهیانه به مردم هم غافل مانده اند و تصور میکنند که مقرری دادن به مردم کار خوبی است، و تصور میکنم که اگر جمهوری اسلامی یارانه ها این بدعت کثیف خلاف شخصیت آدمی را باب نمیکرد، این حضرات و همچنین شهرام همایون از توسل به مورد هم محروم بودند.

حقوق و پرداخت مقرری از سوی دولت به مردم یکی از روشهای اقتصادی و اجتماعی اسلام است که در حقوق اسلامی «انفاق» نامیده میشود که هم بیت المال و هم ثروتمندان باید جور آنرا بکشند.

یک ملت شرافتمند هرگز زیربار طرح «انفاق» و «یارانه» ها و پرداخت مقرری های میلیونی به مردم نمیرود به وضع اقتصادی و اجتماعی مردم میرسد که نیازی به این گدا بازی ها و تن پروری ها نباشد آیا زمان شاهنشاه یارانه وجود داشت و کسی تصور این ادبار ملی و عمومی را میکرد؟

در سوئیس که همه تصمیمات بر اساس همه پرسی و علاقه عمومی انجام میگردد در چند سال قبل فکر پرداخت مستمری نقدی به مردم کشور مطرح شد و لاجرم قضیه به همه پرسی درآمد و مبلغ کمک نقدی = یارانه ۲۵۰۰ فرانک سوئیس معادل ۲۵۵۵ دلار بود، و در همه پرسی ۷۸ درصد مردم رای منفی دادند.

چرا در یک کشور پیشرفته مردم دست رد به مبلغ سرانه بالا میزنند ولی ایرانی بیچاره برای نجات کشورش در زمینه وعده های یک میلیون تومانی فکرمیکند و آنقدر به این عمل فکرمیکند که آنرا پایه ترغیب مردم به مشارکت در مبارزه میدانند؟

بیلان بدهکاری

در تمام طول برنامه رقم بدهکاری تلویزیون ایران آریائی بمبلغ ۱۷۳،۲۹۶ دلار مقابل چشم بیننده قرار گرفته است، این یعنی، همه اش آن چیزی است که مقابل چشم شماسست <زهرچه دیده بیند دل کند یاد>.

این یک کارسیاسی! نیست اگر هم باشد توام با دغلکاری است. «کمپین بازگشت شاهزاده» یک برنامه کوتاه مدت از تلویزیون آریائی اجرا کرده است، بدهی تلویزیون آنهم از سال ۲۰۱۴ تاکنون چه ارتباطی به کمپین دارد که اجرا کننده برنامه کمپین، اعتبارشاهزاده! را کاسه گدائی کند؟

مجری برنامه کمپین میگوید کارما <انتقال صدای جوانان دم مرز است> بنده که نفهمیدم مقصود از جوانان دم مرز کیست؛ آیا همان ۱۵۰ هزار جوان مسلح است که به ادعای ایمان فروتن دم مرز ایران دارد!!

❀❀ کمپین، هیچ الزامی نداشته و ندارد که رقم بدهی تلویزیون آریائی را عنوان کند ولی وقتی به این صیغه مبادرت کرد باید کارتمام و اساسی بکند و آن این است که بیلان درآمد و هزینه اش را بتصدیق یک حسابدار مسنول برساند و آنرا منتشر کند والا صرف اعلام رقم بدهی همانقدر رواهی است که کسی بدون ذکر بدهی فقط دارائی خودش را اعلام کند وانگهی نقطه مشخص این است که آیا تمام درآمد ها صرف موضوع مشخص مربوطه شده است و یا خیر **بنابراین هربدهکاری حق نیست.**

❀❀ یک جا در اظهارات مجری برنامه صحبت از معادل بودن ۲۰ هزاردلار با ۸۰۰ هزارتومان شد هرچه فکرکردم که این تعادل و این درک مهم برچه پایه ای است ملتفت نشدم، زیرا با حساب مزبور بهای هر دلار میشود ۴۰ تومان نه ۴۰۰۰ تومان کنونی.

تنها موردی که کمپین از خودش نوشته و سابقه سرقت از شهرام همایون و یا اظهارات خمینی و جمهوری اسلامی را ندارد همان مورد با لاست.

کمپین بازگشت شاهزاده

❀❀ آیا جوانان ادعائی دم مرز میدانند که در خارج از کشور کسانی هستند که نهایت بی حرمتی و بی انصافی و هتاک و فحش و فضاحت توام با اتهامات بسیار سنگینی را متوجه همان شاهزاده ای میکنند که کمپین برایش تشکیل میدهند ولی صدای اعتراض آن برگزارکنندگان کمپین درنمیآید. آیا اعتبار «شاهزاده» خوبست فقط برای کاسه گدائی؟